

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)

محمداسماعیل ریاحی*، اکبر علیوردی‌نیا**، سیاوش بهرامی‌کاکاوند***

چکیده: هدف از انجام این پژوهش، توصیف و تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان کرمانشاه با استفاده از مفاهیم موجود در نظریه‌های همسان همسری، مبادله و شبکه بوده است.

تحقیق حاضر، با استفاده از روش پیمایش انجام شد و برای جمع‌آوری اطلاعات، «پرسشنامه همراه با مصاحبه» به کار گرفته شده است. جامعه‌ی آماری، ۶۴۱۰ نفر از مردان و زنان متأهلی بوده‌اند که در طول سال ۱۳۸۵ به دادگاه خانواده‌ی شهر کرمانشاه مراجعه کرده و دادخواست طلاق داده بودند. با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، حجم نمونه‌ی برابر با ۳۶۴ نفر از زوجین (سهم مردان و زنان به‌طور مساوی ۱۸۲ نفر) به‌عنوان پاسخگویان تحقیق انتخاب گردیدند. متغیر وابسته‌ی تحقیق، میزان گرایش به طلاق بوده که سعی شد اثرات برخی از متغیرهای مستقل (نظیر دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق) بر آن مورد سنجش قرار گیرد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نیمی از پاسخگویان گرایش متوسطی به طلاق داشته‌اند در حالی که نزدیک به ۹ درصد از آنها دارای گرایش قوی به طلاق بوده‌اند. تحلیل رگرسیونی داده‌ها حاکی از آن است که متغیرهای میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر (به شکل مستقیم)، میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و دخالت دیگران در زندگی زوجین (به شکل مستقیم و غیرمستقیم)، و متغیرهای تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و تفاوت عقاید همسران (به شکل غیرمستقیم از طریق تأثیر بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر) بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته‌اند که از این میان،

m.riahi@umz.ac.ir
aliverdinia@yahoo.com

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه مازندران
** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه مازندران
*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

متغیرهای دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر دارای بیشترین تأثیر بر میزان گرایش به طلاق بوده‌اند.
واژه‌های کلیدی: گرایش به طلاق، انتظارات همسران، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تفاوت سنی زوجین، تفاوت تحصیلی زوجین، تفاوت عقاید زوجین.

مقدمه

خانواده، یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین و تضمین می‌کند. هیچ جامعه‌ای، بدون داشتن نظامی برای جایگزینی اعضای خویش قادر به ادامه حیات نیست. خانواده، امکانی را فراهم می‌سازد که از طریق آن این جایگزینی تحقق یابد. فرد، نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه مهم‌تر از آن به لحاظ عاطفی- روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد، چرا که خانواده جایگاهی است که فرد می‌تواند با تکمیل شخصیت خویش، برای بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی‌اش در جامعه آماده گردد. نقش همسری (زن یا شوهر بودن)، از جمله نقش‌هایی است که پس از عمل اجتماعی ازدواج به عهده افراد گذاشته می‌شود. مقدمه‌ی عمل اجتماعی ازدواج و تشکیل خانواده، انتخاب و گزینش همسر است که در فرهنگ‌های گوناگون با اشکال مختلف صورت می‌گیرد. گرچه ازدواج به عنوان پیش شرط تشکیل خانواده، زمینه را برای پیوند و اتصال نسل‌های متوالی فراهم آورده و موجب تثبیت و انتقال فرهنگ جامعه از نسل گذشته به نسل جدید می‌شود، با این حال خانواده‌ها همواره قادر نیستند تا کنش‌های متقابل اجتماعی اعضایشان را به صورت پیوسته به سمت هدفی خاص هدایت نموده و انسجام گروهی خانواده را حفظ نمایند. در این وضعیت، اختلافات خانوادگی می‌تواند به گسست پیوند اجتماعی ازدواج و وقوع طلاق منجر شده و زمینه‌ی فاصله و گسست نسل‌ها را فراهم آورد. از این‌رو، بررسی علمی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی به منظور پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه محسوب گردد.

طرح مسئله

قلمرو، شیوه و نحوه همسرگزینی می‌تواند برآینده‌ی زندگی زناشویی و میزان سازگاری و سعادت زوجین تأثیرگذار باشد به نحوی که قرابت‌های مکانی، خویشاوندی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... موجب

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۱۱

سازگاری بیشتر زوجین و کاهش امکان اختلاف، جدایی و نهایتاً طلاق می‌گردد. طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه‌دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی ندارند.

ویلیام گود معتقد است که خود ازدواج، علت اصلی طلاق، جدایی و ترک خانه و کاشانه است (پیران، ۱۳۶۹: ۳۴). گرچه می‌توان تصور نمود که طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی همزاد با ازدواج بوده باشد، اما طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی مصوب و قانونمند، قدمتی طولانی ندارد. اولین اشکال قانونی و شناخته شده طلاق را می‌توان در قوانین حمورابی، حدود ۲۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مشاهده کرد که زن جزو املاک و دارایی‌های مرد محسوب شده و شوهر می‌توانست به دلخواه خود، بدون هیچ دلیلی زن را طلاق دهد. در میان یهودیان نیز، طلاق حق مسلم و ویژه‌ی جنس مذکر محسوب می‌گردید. بر اساس نخستین قوانین رومی، شوهر کاملاً حق داشت تا رابطه زناشویی را گسیخته و از تعهدات خانوادگی شانه خالی کند، گرچه با برخی محدودیت‌ها در این راه مواجه می‌شد. پس از ظهور مسیحیت، قوانین رومی راجع به طلاق به طور قابل ملاحظه‌ای تعدیل گردید و تا نیمه دوم قرن چهارم میلادی، طلاق با توافق طرفین امکان‌پذیر گردید (پوتهن^۱، ۱۹۹۶: ۲۶-۷). در دین اسلام نیز، گرچه طلاق یک امر ناپسند و مذموم شمرده می‌شود، اما وقوع آن در برخی از شرایط (نظیر ناتوانی جنسی، جنون، ندادن نفقه، عدم تمکین، و...) امکان‌پذیر است.

علیرغم سابقه تاریخی مذکور، تنها از قرن بیستم است که طلاق به عنوان یک آسیب و مسئله اجتماعی جدی مطرح می‌شود. بررسی روند تاریخی پدیده طلاق در جوامع معاصر، نشانگر آن است که هرچه از نظام زمینداری به جامعه صنعتی و سرمایه‌داری نزدیک می‌شویم، امکان و فراوانی طلاق افزایش می‌یابد. محو تدریجی و بعضاً ناگهانی نهادهای خاص جامعه فئودال، تضعیف خانواده پدرسالار که نگاهدار ارکان خانواده سنتی بوده است و در کنار آن رشد تضادها و تقابل‌های روز افزون اجتماعی، باعث فرو ریختن سنت‌های کهن و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی در اجتماعی تازه می‌گردد و مفاهیم سنتی و طرز کهن زندگی خصوصی و خانوادگی را متحول کرده و به مبارزه می‌خواند (والچاک؛ ۱۳۶۶: ۱۳-۱۲). طی قرن بیستم به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی، ارزشی و نظام هنجاری در بسیاری از نقاط جهان به‌ویژه در جوامع صنعتی،

¹ . Pothén, S.

میزان طلاق روندی افزایشی به خود گرفت. پدیده‌ی افزایش میزان طلاق، صرفاً به جوامع صنعتی محدود نشده و به عنوان یک ارزش اجتماعی- فرهنگی جدید، به سایر جوامع نیز راه یافته است (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۰۶). پژوهش‌های متعددی نشان‌دهنده آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی، و اجتماعی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع می‌باشد. اکثر بررسی‌های انجام شده، از رابطه‌ی بین طلاق با اعتیاد، جرم و بزهکاری، روان‌پریشی، عدم تعادل شخصیتی، مسایل آموزشی و تربیتی، خودکشی و یا جامعه ستیزی و نظایر آن حکایت می‌کنند و طلاق را موجد آن‌ها به شمار می‌آورند (پیران، ۱۳۶۹: ۳۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اختلالات روانی در بین افراد مجرد، بیوه، جدا شده و طلاق گرفته، بیش از افراد متأهل بوده و خطر طلاق برای ایجاد افسردگی بیشتر از بیوه شدن است (ظهیرالدین و خدایی‌فر، ۱۳۸۲: ۲). بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که افراد طلاق گرفته، بیشتر از افراد متأهل دچار اختلال‌های جسمی و روحی از جمله اعتیاد به مشروبات الکلی، خودکشی و ضعف قوای ذهنی می‌شوند و رضایت خاطر کمتری از زندگی دارند (کالان و نولر، ۱۹۸۷: ۲۸۳). دومینیان و دیگران (۱۹۹۱)، شواهد مفصل و ارزشمندی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد از هم پاشیدگی زندگی مشترک، با مجموعه گسترده‌ای از شاخص‌های سلامتی در ارتباط است (برناردز، ۱۳۸۴: ۲۵۲). اخوان تفتی (۱۳۸۲) در بررسی پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن در تهران، به این نتیجه رسید که آسیب‌پذیری زنان از پیامدهای اجتماعی طلاق بیشتر بوده است. همچنین، گرچه مشکلات اقتصادی تأثیر مشابهی بر زنان و مردان داشته، اما نگرانی زنان از آینده‌ی اقتصادی خود در مورد فرزندان و گفته‌ی مردم، بیشتر از مردان بوده است.

علی‌رغم این پیامدها، امروزه طلاق یک مسئله جهانی است. ریچارد اوردی، نویسنده کتاب «زمینه اجتماعی ازدواج»، چنین می‌نویسد: با کاربرد شیوه‌های گوناگون در شناخت روابط خانوادگی ملاحظه می‌شود که در حال حاضر حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد ازدواج‌هایی که برای اولین بار منعقد می‌شود به طلاق، ترک یا انحلال خانواده منتهی می‌شوند (ساروخانی؛ ۱۳۷۶: ۱۹-۱۸). بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میزان طلاق در بریتانیا به طور ثابت هر سال ۹ درصد افزایش یافت و در طی آن دهه تا سال ۱۹۷۲ دو برابر شد (گیدنز؛ ۱۳۷۵: ۴۲). همچنین، این میزان از ۲/۸ در هزار در سال ۱۹۸۱ به ۳/۱ در هزار در سال ۱۹۹۳ رسیده است. هر چند میزان طلاق در بریتانیا شباهت زیادی به ایالات متحده دارد، اما تفاوت چندانی با سایر کشورهای اروپایی ندارد. در دانمارک میزان طلاق بالاست و آلمان و فرانسه درست پشت سر این کشور قرار دارند (برناردز، ۱۳۸۴: ۴۴). در مجموع، آمارها حاکی از رشد نرخ طلاق طی دهه‌های قبل در کشورهای غربی

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۱۳

است. از مهم‌ترین عوامل به‌وجودآورنده‌ی طلاق در جوامع غربی می‌توان به صنعتی‌شدن، کاهش تقبیح طلاق، مصرف الکل و گرایش به زندگی هم‌بالینی^۱ اشاره کرد. با این حال، برخی پژوهشگران نظیر رابینسون (۱۹۹۱) معتقدند که طلاق نشانه دگرگونی خانواده هسته‌ای و حرکت آن به سوی خانواده پسا هسته‌ای است. این مفهوم، ناظر به چرخه معمول ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد است؛ چرخه‌ای که روزبه روز رواج بیشتری می‌یابد (همان: ۲۴۹).

نگاهی به وضعیت طلاق در ایران، نشان می‌دهد که نرخ رشد طلاق طی سال‌های اخیر سیر صعودی داشته است؛ چنان‌که براساس آمارهای منتشره از سوی سازمان‌های مربوطه (مرکز آمار ایران)، در ایران در سال ۱۳۷۵، ۳۸ هزار و ۸۱۷ نفر از یکدیگر جدا شده‌اند (۱/۵ در هزار). این در حالی است که در سال ۱۳۸۰ از جمعیت متأهل کشور ۶۰ هزار و ۵۵۹ نفر طلاق گرفته‌اند (۲/۳ در هزار) و این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۹۸۷۵۶ فقره افزایش یافته است (۳/۱ در هزار). به عبارت دیگر، طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ روزانه به ترتیب به طور میانگین تعداد ۱۰۶، ۱۶۵ و ۲۷۰ فقره طلاق در کشور به ثبت رسیده است. استان‌های تهران، کرمانشاه و قم به ترتیب بالاترین؛ و استان‌های یزد و سیستان و بلوچستان پایین‌ترین نرخ طلاق را به خود اختصاص داده بوده‌اند. استان کرمانشاه، به عنوان یک استان مرزی با اقوام، مذاهب و زبان‌های مختلف با تجربه کردن جریان‌های مختلف از جمله جنگ تحمیلی، میزان بالای بیکاری و اعتیاد، از جمله مناطقی است که مسئله طلاق نیز در آن به وفور دیده می‌شود. در طی دهه‌های اخیر، کرمانشاه مقام دوم و گاهی با یک پله تغییر، مقام سوم طلاق در کشور را از آن خود کرده است (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۹۰). رقم میانگین سالانه ۱۶ درصد طلاق طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵، نشان از فراوانی طلاق در شهرستان کرمانشاه در مقایسه با کشور و حتی استان کرمانشاه دارد (جدول و نمودار (۱)). از این‌رو، در این پژوهش در پی آنیم تا به شناسایی (توصیف و تبیین) آن دسته از عوامل اجتماعی- خانوادگی بپردازیم که بر زندگی زوجین تأثیر منفی گذاشته، گرایش آنها را به طلاق افزایش داده، و نهایتاً موجب گردیده که آنها درخواست طلاق را به مراجع ذی‌صلاح ارائه کنند. لذا تحقیق حاضر سعی دارد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- آیا برآورده‌نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، می‌تواند در گرایش آنها به طلاق تأثیرگذار باشد؟

۲- آیا دخالت دیگران در زندگی زوجین می‌تواند موجب گرایش آنها به سوی طلاق باشد؟

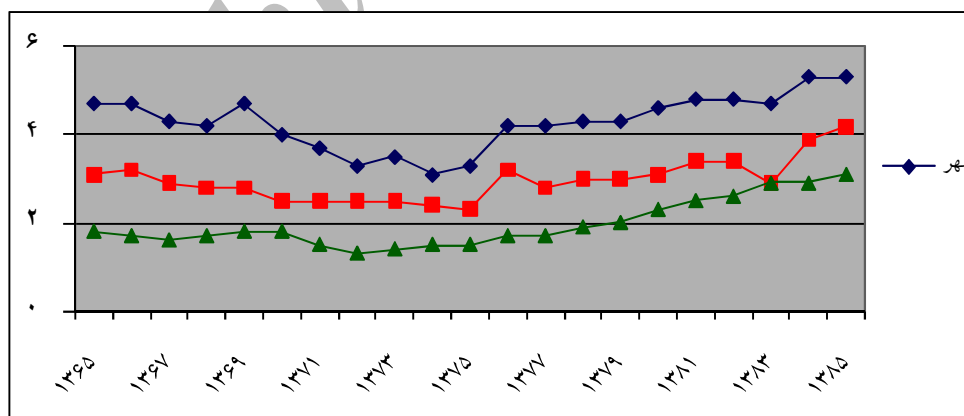
1. Cohabitation

جدول (۱) مقایسه آمار طلاق استان کرمانشاه با میانگین کل کشور ۱۳۶۵-۱۳۸۵

شهرستان	استان	کل کشور	سال	شهرستان	استان	کل کشور	سال
کرمانشاه	کرمانشاه	کشور		کرمانشاه	کرمانشاه	کشور	
۱۷/۴	۱۲/۹	۸/۱	۱۳۷۶	۲۲/۹	۱۷/۷	۱۰/۳	۱۳۶۵
۱۶/۷	۱۲/۳	۷/۹	۱۳۷۷	۱۹/۲	۱۶/۸	۹/۶	۱۳۶۶
۱۶/۹	۱۳/۰	۸/۳	۱۳۷۸	۱۸/۴	۱۴/۶	۹/۱	۱۳۶۷
۱۶/۴	۱۱/۹	۸/۳	۱۳۷۹	۱۳/۶	۱۲/۴	۷/۳	۱۳۶۸
۱۷/۴	۱۱/۹	۹/۴	۱۳۸۰	۱۳/۳	۹/۹	۸/۳	۱۳۶۹
۱۷/۴	۱۳/۳	۱۰/۳	۱۳۸۱	۱۲/۳	۹/۹	۸/۷	۱۳۷۰
۱۷/۱	۱۲/۷	۱۰/۶	۱۳۸۲	۱۲/۳	۱۰/۳	۸/۰	۱۳۷۱
۱۶/۰	۱۲/۹	۱۰/۴	۱۳۸۳	۱۳/۴	۹/۱	۶/۳	۱۳۷۲
۱۹/۴	۱۴/۷	۱۰/۶	۱۳۸۴	۱۲/۷	۹/۵	۷/۲	۱۳۷۳
۱۹/۱	۱۵/۷	۱۱/۴	۱۳۸۵	۱۳/۳	۱۰/۵	۷/۵	۱۳۷۴
۱۶/۲	۱۲/۵	۸/۸	میانگین	۱۵/۱	۱۰/۹	۷/۸	۱۳۷۵

منبع: سالنامه‌های آماری کشوری و استانی مرکز آمار ایران: ۱۳۶۵-۱۳۸۵

نمودار (۱) نسبت طلاق به ازدواج کشور، استان و شهرستان کرمانشاه، طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵



۳- آیا داشتن تصور مثبت از پیامدهای طلاق، می‌تواند گرایش زوجین به طلاق را افزایش دهد؟

۴- آیا تفاوت زوجین در زمینه‌ی عقاید، تحصیلات و سن می‌تواند موجب گرایش آنها به سوی طلاق گردد؟

پیشینه‌ی پژوهش

پژوهشگران متعددی در داخل و خارج کشور، به بررسی مسئله طلاق پرداخته و به علل و ریشه‌ها و به ویژه پیامدها و عوارض فردی، خانوادگی و اجتماعی آن توجه کرده‌اند. تعداد قابل توجهی از این تحقیقات، به رابطه بین وقوع طلاق و عواملی نظیر دخالت دیگران در زندگی زوجین (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ داودی، ۱۳۵۶؛ پیران، ۱۳۶۹؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ شعبانی، ۱۳۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳)؛ عدم تفاهم و توافق اخلاقی و عقیدتی زوجین (مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ سیف‌الهی، ۱۳۶۷؛ صالح صدق پور، ۱۳۷۷؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ قطبی، ۱۳۸۳)؛ میزان تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ داودی، ۱۳۵۶؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ صالح صدق پور، ۱۳۷۷؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ میراحمدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۳)؛ ازدواج در سنین پایین (مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ شیرزاد، ۱۳۸۳)؛ تفاوت سنی زوجین (مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ داودی، ۱۳۵۶؛ کریمی تهرانی، ۱۳۵۸؛ گلشن، ۱۳۷۲؛ رحمان‌پناه، ۱۳۷۴؛ صالح صدق پور، ۱۳۷۷؛ مددی، ۱۳۷۸؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۳)؛ مشکلات مالی و اقتصادی (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ سیف‌الهی، ۱۳۶۷؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳)؛ اعتیاد (داودی، ۱۳۵۶؛ سیف‌الهی، ۱۳۶۷؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ شعبانی، ۱۳۸۲؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳)؛ طباطبایی، ۱۳۸۳)؛ بیکاری مردان (دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ گلشن، ۱۳۷۲؛ مددی، ۱۳۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳)؛ نداشتن فرزند و نازایی (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ سیف‌الهی، ۱۳۶۷؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳)؛ نوع شغل مردان (گلشن، ۱۳۷۲؛ ریحانی، ۱۳۸۱)؛ اشتغال زن به کار بیرون از خانه (مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ کریمی تهرانی، ۱۳۵۸؛ گلشن، ۱۳۷۲)؛ تعدد زوجات و چند همسری (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰)؛ عدم پایبندی مذهبی (ریحانی، ۱۳۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۳)؛ فاتحی‌زاده، ۱۳۸۴)؛ ایده‌آل‌سازی‌های ناموجه و مرد سالاری (پیران، ۱۳۶۹؛ رحمان‌پناه، ۱۳۷۴)؛ عدم اعتماد و سوءظن (پیران، ۱۳۶۹؛ مددی، ۱۳۷۸)؛ بیماری‌های روانی (داودی، ۱۳۵۶؛ قطبی، ۱۳۸۳)؛ عدم توافق در مسایل جنسی و زناشویی (داودی، ۱۳۵۶)؛ و وجود روابط نامشروع جنسی (صالح صدق پور، ۱۳۷۷) اشاره کرده‌اند. همچنین در برخی دیگر از پژوهش‌های داخلی، رابطه معکوس و معناداری بین طلاق و برخی از عوامل نظیر مدت و

میزان شناخت همسر قبل از ازدواج (رحمان پناه، ۱۳۷۴؛ ملتفت، ۱۳۸۱)؛ مدت زمان زندگی مشترک (کریمی تهرانی، ۱۳۵۸؛ ملتفت، ۱۳۸۱؛ میراحمدی زاده و دیگران، ۱۳۸۲)؛ تعداد فرزندان (گلشن، ۱۳۷۲؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ ملتفت، ۱۳۸۱؛ میراحمدی زاده و دیگران، ۱۳۸۲)؛ رابطه خویشاوندی با همسر (ملتفت، ۱۳۸۱)؛ سن (کریمی تهرانی، ۱۳۵۸)؛ اعتقادات مذهبی، مداخله بزرگان، وابستگی زن به شوهر، الگوپذیری دختر از مادر، عدم حمایت خانواده از طلاق و حمایت اقتصادی والدین از زوجین (فاتحی زاده، ۱۳۸۴) مشاهده شده است.

از سوی دیگر، مطالعات خارجی انجام شده در زمینه طلاق عمدتاً به پیامدهای طلاق به ویژه برای کودکان و زنان پرداخته‌اند؛ گرچه برخی از مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر طلاق نشان دهنده رابطه مستقیم طلاق با الگوی رایج زندگی در شبکه تعاملات فرد (بلوس فلد و هوم، ۲۰۰۰)؛ مصرف مشروبات الکلی (استاک و بنکووسکی، ۱۹۹۴^۲؛ آماتو و راجرز، ۱۹۹۷)؛ زندگی در کشورهای مختلف یا حتی نواحی مختلف در یک کشور (کالمیجین و یونک، ۲۰۰۶)؛ رابطه جنسی نامشروع توسط یکی از زوجین (سوث و لیود، ۱۹۹۵^۵؛ آماتو و راجرز، ۱۹۹۷)؛ تعداد ساعات کاری زنان در خارج از خانه و میل آنان به استقلال اقتصادی (ادوارد و فولر، ۱۹۹۲؛ داگلاس، ۲۰۰۲^۷؛ گرین استین و دیویس، ۲۰۰۶)؛ استرس شدید (ایروینگ و بنجامین، ۲۰۰۷)؛ طلاق والدین و پایین بودن سن ازدواج (آماتو و راجرز، ۱۹۹۷)؛ وجود برادران و خواهران طلاق گرفته در بین اعضای خانواده (فارل، ۲۰۰۶)؛ از یک سو، و نیز رابطه معکوس طلاق با میزان هوش (هولی و دیگران، ۲۰۰۶)؛ حضور مداوم در کلیسا یا پایبندی مذهبی (آماتو و راجرز، ۱۹۹۷)؛ کریشنن^{۱۲} (۱۹۹۸)؛ و پایبندی به سنت و فرهنگ بومی (بولاندا و براون، ۲۰۰۶) از سوی دیگر می‌باشد.

-
1. Blosfeld B. & Hom E.
 2. Stack, S. & Bankowski E.
 3. Amato, Paul R. & Stacy, J. Rogers.
 4. Kalmjin, M. & Uunk, W.
 5. South, S. & Liody K.M.
 6. Edward, J. N., & Fuller S.S.
 7. Douglas. W. Allen.
 8. Greenstein, Theodore N. & Shannon, Davis.
 9. Irving, Howard H. & Benjamin, Michael.
 10. Farrell, Michael P.
 11. Holley, P. ;et. al.,
 12. Krishnan, Vijaya.
 13. Bulanda, J. R. & Brown, S.

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۱۷

مروری نقادانه بر پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات داخلی علل وقوع طلاق را به صورت توصیفی مورد مطالعه قرار داده‌اند و کمتر تحقیقی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق را به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. تحقیقات خارجی نیز عمدتاً یکی از عوامل مؤثر بر طلاق (نظیر الکلیسم یا روابط جنسی نامشروع) را مطالعه کرده‌اند. در این تحقیق، سعی شده است تا با به‌کارگیری چهارچوب نظری مناسب، به طور تحلیلی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجین به طلاق مورد بررسی قرار گیرند.

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که بسیاری از تحقیقات داخلی، بدون استفاده از یک پشتوانه نظری، صرفاً همبسته‌های فردی و اجتماعی مرتبط با وقوع طلاق را توصیف کرده‌اند. تحقیقات اندکی، به تبیین و تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع طلاق پرداخته‌اند و پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق، انگشت شمارند. تحقیقات خارجی نیز عمدتاً یکی از عوامل مؤثر بر طلاق (نظیر الکلیسم یا روابط جنسی نامشروع) را در فضای فرهنگی متفاوت از کشور ما مطالعه کرده‌اند. پژوهش حاضر تلاشی پیشگامانه در زمینه شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق (و نه میزان وقوع طلاق) می‌باشد که سعی کرده است تا با به‌کارگیری بنیان‌های نظری مناسب، به طور تحلیلی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجین به طلاق را مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

طلاق، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که از دیدگاه نظری واحدی قابل بررسی و تبیین نیست. لذا، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق، در این تحقیق از تلفیقی از سه دیدگاه نظری، یعنی؛ نظریه‌های همسان همسری، مبادله و شبکه استفاده شده است.

نظریه همسان همسری^۱

این نظریه، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل^۲؛ افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد

1. Homogamy Theory
2. Hill

احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن^۱ می‌گوید؛ انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد، در تمامی سنین در میدانی فراخ‌تر از آنکه تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاک و برگس^۲؛ بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود^۳، در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی، می‌گوید؛ هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنگ و یامامورا^۴، بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است (ساروخانی؛ ۱۳۸۵: ۶۶-۴۰). در مجموع، می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی، متمایل به ازدواج همسان هستند که این خود می‌تواند نتیجه‌ی تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد.

نظریه مبادله^۵

مطابق اصول اساسی این نظریه، انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می‌کنند که در این ارتباط، برای خود نفعی به دست آورند. هر گونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. نظریه مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار برحسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در این جا، رفتارهایی هستند که بین دو شخص تعامل ایجاد می‌کنند، یعنی رفتارهایی که در آنها بین دو شخص تبادل وجود دارد و هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از این تبادل را محاسبه می‌کنند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین، برابر باشد. در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن بدست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل بدست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. برای تبیین

1 . Bowerman

2 . Lock & Burgess

3 . Wood

4 . Cheny & Yamamura

5 . Exchange Theory

روابط زن و شوهرها و نیز روابط بین گروه‌هایی که باید برای رسیدن به توافق مذاکره کنند، از دیدگاه مبادله اجتماعی استفاده می‌شود (بدار و دیگران؛ ۱۳۸۱: ۲۶).

بدین ترتیب، از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر حقوق متقابل آنها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آنها برمدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت، منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود. برای مثال، زمانی که هریک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی نماید، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد. در واقع، پنداشت فرد از سود یا زیانی که در زندگی زناشویی خود بدست می‌آورد، اهمیت پیدا می‌کند (جلیلیان؛ ۱۳۷۵: ۴۵-۴۴). بدین ترتیب، هر چه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به طور واقعی یا خیالی)؛ و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان‌دیده می‌بیند که پایان‌دادن به رابطه زناشویی، به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر، برایش ارزشمند می‌گردد. بنابراین، زوجینی که نتوانند تعادل دلخواه را در زمینه‌ی مبادله هزینه‌ها و پاداش‌ها برقرار نمایند، به احتمال زیاد به گسستن این رابطه، یعنی طلاق گرایش می‌یابند.

نظریه شبکه^۱

تحلیل‌های شبکه‌ای، به مطالعه قواعدی درباره اعتقادات افراد و این که چه باید انجام دهند، می‌پردازد. این نظریه، هر نظریه غیرساختی را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش‌های شخصی و هنجارهای درونی شده می‌داند، رد می‌کند. یکی از چهره‌های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات، درجه‌ی تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای که زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند، همبسته می‌داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به‌عنوان زوج زناشویی تفکیک

1 . Network Theory

شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است، هرچه شبکه‌ها کم تراکم‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۵۵-۲۵۴). اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه‌ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه‌ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می‌گردد؛ به نحوی که زوجین فقط به سوی فعالیت‌هایی که شبکه، مجاز می‌داند کشانده می‌شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف ناپذیر نقش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند؛ چرا که باید براساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله، می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را بوجود آورد و در نتیجه‌ی دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود (ملنفت، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۴). امکان دخالت افراد در زندگی زناشویی، گویای نفوذ افراد مسن‌تر همخون و تسلط شبکه روابط نسبی است که از سن کهنسال جوامع مشرق زمین است. این امر، موجب تضاد شبکه‌های روابط نسبی و سببی شده و به کلیشه‌ها و عقاید قالبی در باب مادر زن و مادر شوهر جان بخشیده است (پیران، ۱۳۶۹: ۴۱).

فرضیات تحقیق

- بین میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و میزان گرایش به طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان گرایش به طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و میزان گرایش به طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین تفاوت سنی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین تفاوت تحصیلی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین تفاوت عقاید زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق، از روش پیمایش - که امکان دستیابی به نتایج تعمیم‌پذیر به کل جامعه آماری را از طریق مطالعه‌ی نمونه‌ای معرف فراهم می‌آورد - استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، تمامی زوجینی بودند که در طی سال ۱۳۸۵ به مجتمع دادگاه خانواده شهر کرمانشاه مراجعه کرده یا به آنجا ارجاع داده شده بودند. براساس آمار موجود، تعداد ۶۴۱۰ زن و شوهر، جهت ارایه‌ی درخواست طلاق به این مجتمع مراجعه کرده بودند که این آمار مبنای نمونه‌گیری قرار گرفت. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۶۴ نفر به‌عنوان جمعیت نمونه در نظر گرفته شد و با اختصاص یک عدد ویژه به پرونده‌ی هر یک از افراد جامعه آماری، از طریق شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک این تعداد انتخاب شدند. سپس، با توجه به آدرس موجود در پرونده‌ی درخواست‌کنندگان طلاق، پرسشنامه‌ی تهیه‌شده توسط محقق به پاسخگویان انتخاب شده ارایه شد و اطلاعات لازم با کمک پرسشگران گردآوری گردید.

ابزار اندازه‌گیری

جهت گردآوری داده‌ها، پرسشنامه همراه با مصاحبه به کار گرفته شده است. این پرسشنامه، در مجموع شامل ۱۹ سؤال بود که در دو بخش؛ ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی (شامل سن، جنس، نوع شغل، میزان تحصیلات، میزان درآمد، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، و...) و متغیرهای مستقل و وابسته‌ی تحقیق (شامل ۵ مقیاس برای سنجش میزان گرایش به طلاق، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و تفاوت عقاید زوجین) طراحی گردیده بود. برای سنجش اعتبار پرسشنامه و مقیاس‌های به کار رفته در آن، از روش اعتبار صوری و جهت اندازه‌گیری پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای کل پرسشنامه ۰/۷۶۶ برآورد شده است.

متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته‌ی این تحقیق؛ «میزان گرایش به طلاق» است. این پژوهش، به دنبال بررسی میزان نوسانات این متغیر بر حسب متغیرهای مستقل، یعنی؛ میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و تفاوت عقاید زوجین بوده است. متغیرهای میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و میزان

تصورات مثبت از پیامدهای طلاق از نظریه مبادله؛ متغیرهای تفاوت سنی، تحصیلی و عقاید زوجین از نظریه همسان همسری و متغیر میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین از نظریه شبکه مشتق شده‌اند.

تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم

- **میزان گرایش به طلاق:** مقصود از این مفهوم، میزان تمایل و علاقه‌ی زوجین به جدا شدن از یکدیگر و گسستن پیوند زناشویی طی مراحل قانونی است. این مفهوم دارای سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری بوده است که برای سنجش این متغیر، از یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای (طرح ۵ گویه مستقل برای سنجش هریک از ابعاد سه گانه مذکور) استفاده شده است. به عنوان مثال، برای سنجش بعد شناختی طلاق گویه‌هایی نظیر "امروزه طلاق زیاد شده است"، "طلاق کانون خانواده را متلاشی می‌کند"، و... طراحی شده‌اند. برخی از گویه‌ها، نظیر "طلاق گرفتن راهی درست برای پایان دادن به اختلافات خانوادگی است"، "طلاق گرفتن راهی از جهنم اختلافات است"، و... برای سنجش بعد عاطفی طلاق طرح گردیده بودند. همچنین از گویه‌هایی نظیر "حاضرم طلاق بگیرم اگر شده چندین بار به دادگاه بروم"، "حاضرم طلاق بگیرم اگر شده از حقوق و دارایی‌ام بگذرم"، و... جهت سنجش بعد رفتاری گرایش به طلاق استفاده شده است. از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های ۱۵ گانه‌ی مقیاس (به صورت طیف لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)، مشخص نمایند. دامنه احتمالی پاسخ‌های هر پاسخگو می‌توانست از صفر (کاملاً مخالف با تمام گویه‌ها) تا ۶۰ (کاملاً موافق با تمام گویه‌ها) در نوسان باشد. ضریب پایایی^۱ محاسبه شده برای مقیاس میزان گرایش به طلاق بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۶۱۰ بوده است که بیانگر همسازي درونی^۲ نسبتاً مناسب بین گویه‌های طرح شده در مقیاس مذکور است.

- **میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر:** هر فرد در پایگاه و منزلت " همسری"، توقعات متقابلی از همسر خویش دارد. به مجموعه انتظارات و توقعاتی که مرد یا زن در چهارچوب زندگی خانوادگی از همسر خود دارد، انتظارات همسران از یکدیگر می‌گوییم. در صورت برآورده شدن این انتظارات و توقعات، فرد خود را در موقعیت پاداش‌دهنده می‌بیند و تصور سود در زندگی زناشویی خواهد داشت و در مقابل؛ اگر این انتظارات از نقش همسر، طبق آنچه که فرد یا جامعه می‌خواسته است نباشد، وی خود را زیان‌دیده می‌بیند. در این حالت، می‌توان گفت که انتظارات همسران از یکدیگر برآورده نشده است. در این

1 . Reliability Coefficient
2 . Internal Consistency

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۲۳

تحقیق برای عملیاتی کردن این مفهوم، یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای (آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹۰) طراحی گردید که در آن عباراتی راجع به ویژگی‌های همسران در چهار بعد ارتباطی (نظیر همسر مجاز نمی‌دهد تا دیگران در مسائل خانوادگی ما دخالت کنند)؛ عاطفی - تربیتی (نظیر همسر در خانه عفت کلام را رعایت می‌کند)؛ مادی (نظیر همسر ظاهر آراسته و مرتبی دارد)؛ و اخلاقی - منزلتی (نظیر همسر احترام والدین را نگه می‌دارد) مطرح گردید.

- دخالت دیگران در زندگی زوجین: مقصود از دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان تأثیرگذاری اشخاص مختلف (دیگران مهم) در زندگی زن و شوهر است؛ به نحوی که روند ثابت و سالم زندگی زوجین را دچار اختلال و بحران نموده و احتمال اختلاف یا جدایی آنها را افزایش دهد. برای سنجش عملی این متغیر، از یک مقیاس ۱۰ گویه‌ای استفاده شد (آلفای کرونباخ معادل ۰/۷۷۳). در این مقیاس، گویه‌هایی راجع به نحوه دخالت دیگران مهم (یعنی اشخاص نزدیک به پاسخگو از جمله والدین، اقوام، همسایه‌ها، دوستان و اطرافیان) در زندگی زوجین، به اشکال مستقیم (نظیر رضایت والدین به طلاق، اظهار نظر مستقیم نزدیکان راجع به ویژگی‌های همسر، بیان و آشکارسازی معایب همسر توسط دیگران) و غیر مستقیم (انجام رفتارهایی توسط اطرافیان نظیر به رخ کشیدن زندگی مرفه و سعادت‌مند خودشان نزد پاسخگو، تمجید از اخلاق و کردار همسرانشان در نزد پاسخگو و تصویرسازی‌های واقعی یا غیر واقعی از زندگی بی دغدغه خودشان نزد پاسخگو)، مطرح گردید.

- میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق: مقصود از این مفهوم، تصویری است که فرد راجع به بروز احتمالی مشکلات و دشواری‌های زندگی پس از وقوع طلاق در ذهن خود دارد. به عبارت واضح‌تر، پاسخگو تصور می‌کند در صورت وقوع طلاق، از چه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی مشترک داشته است، رهایی می‌یابد و یا به چه شرایط مساعدتری دست خواهد یافت. در واقع، پاسخگو تصور می‌کند مشکلات احتمالی پس از طلاق به چه میزان ممکن است برای شخص وی رخ دهد. به منظور سنجش این مفهوم، از یک مقیاس ۱۲ گویه‌ای استفاده گردید (آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹۴). این مقیاس دارای سه بُعد مستقل بوده است؛ بعد منزلتی - نظارتی که با گویه‌هایی نظیر "طلاق گرفتن باعث لطمه خوردن به آبروی خانوادگی می‌شود"، و یا "طلاق گرفتن باعث عدم تأیید و پذیرش توسط خانواده و دوستان می‌شود" سنجیده شد. برای سنجش بعد عاطفی - تربیتی از گویه‌هایی نظیر "طلاق گرفتن، باعث تنها شدن و بروز مشکلات عاطفی می‌شود"، و یا "طلاق گرفتن باعث آسیب‌دیدگی روحی و روانی اعضای خانواده می‌شود" استفاده

شده است. همچنین، به منظور سنجش بعد اقتصادی، گویه‌هایی نظیر "طلاق گرفتن باعث بروز مشکل در تهیه و تأمین مسکن مناسب می‌شود"، و یا "طلاق گرفتن باعث به وجود آمدن مشکل در تأمین هزینه زندگی می‌شود" به کار رفته است.

- **تفاوت عقاید زوجین:** ناهمسانی و اختلاف بین سلاطین، عقاید و باورهای زوجین در زمینه‌ی مسایل مختلف زندگی خانوادگی، تفاوت عقاید زوجین نامیده می‌شود. به تعبیر عملیاتی، میزان نزدیکی یا دوری بین عقاید زوجین نسبت به مسایل گوناگون زندگی زناشویی را می‌توان تحت عنوان تفاوت عقاید زوجین تعریف کرد. در این تحقیق، برای سنجش تفاوت عقاید زوجین، از یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای استفاده شده است (آلفای کرونباخ معادل ۰/۶۵۳). این مقیاس دارای سه بُعد بوده است؛ بعد رفتاری (گویه‌هایی نظیر من و همسر من در مورد کمک به پدران و مادران مان با یکدیگر هم عقیده‌ایم، من و همسر من در مورد مشارکت در وظایف خانه‌داری با یکدیگر هم عقیده‌ایم، و...)؛ بعد اقتصادی (گویه‌هایی نظیر من و همسر من در مورد چگونگی خرج کردن درآمدها و دارایی‌هایمان با یکدیگر هم عقیده‌ایم، من و همسر من در مورد خرید وسایل مورد نیاز منزل با یکدیگر هم عقیده‌ایم)؛ و بعد عاطفی - تربیتی (گویه‌هایی نظیر من و همسر من در مورد تربیت فرزندان و نحوه برخورد با آنها با یکدیگر هم عقیده‌ایم، من و همسر من در مورد نحوه و میزان روابط جنسی با یکدیگر هم عقیده‌ایم).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های تحقیق، در دو سطح توصیفی و تحلیلی با استفاده از بسته اختصاصی علوم اجتماعی (SPSS)، نسخه شماره ۱۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

توصیف ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان

همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، کل پاسخگویان تحقیق ۳۶۴ نفر هستند که به طور مساوی از بین مردان و زنان (هرکدام ۱۸۲ نفر) انتخاب شده بودند. درخواست‌دهندگان طلاق را عمدتاً (۵۱/۱ درصد) مردان و زنان ۳۰ تا ۴۴ ساله تشکیل می‌دادند که میانگین سنی آنها ۳۴/۶ سال بوده است^۱. به لحاظ شغلی،

^۱ - تفاوت سنی مشاهده شده بین زنان و مردان متقاضی طلاق، می‌تواند ناشی از پسندیده بودن تفاوت سنی زوجین در ازدواج اول و نیز کاهش تمایل زنان برای تقاضای طلاق، به موازات افزایش سن؛ در مقابل علاقمندی نسبی مردان در این امر دانست که هر دو دلیل را باید بر حسب آموزه‌های فرهنگی و نقش‌های جنسیتی تفسیر نمود.

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۲۵

بیشتر مردان دارای مشاغل کارگری (۳۲/۲ درصد) و آزاد(۲۲/۸ درصد) بوده‌اند، درحالی که اکثر زنان (۸۱/۴ درصد) به خانه‌داری و معلمی (۷/۳ درصد) اشتغال داشته‌اند.

جدول شماره (۲) ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی پاسخگویان

تعداد و درصد پاسخگویان		کل		مردان		زنان	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
متغیرهای زمینه‌ای							
جنسیت							
		۳۶۴	۱۰۰	۱۸۲	۵۰/۰	۱۸۲	۵۰/۰
گروه‌های سنی							
۱۶-۲۹ ساله		۱۱۱	۳۱/۲	۳۹	۲۱/۸	۷۲	۴۰/۷
۳۰-۴۴ ساله		۱۸۲	۵۱/۱	۹۶	۵۳/۶	۸۶	۴۸/۶
۴۵ سال و بالاتر		۶۳	۱۷/۷	۴۴	۲۴/۶	۱۹	۱۰/۷
میانگین سن		۳۴/۶ سال		۳۷/۳ سال		۳۱/۹ سال	
نوع شغل							
خانه‌دار		۱۴۴	۴۰/۳	۰	۰	۱۴۴	۸۱/۴
کارگر		۶۵	۱۸/۲	۵۸	۳۲/۲	۷	۴/۰
آزاد		۵۰	۱۴/۰	۵۰	۲۲/۸	۰	۰/۰
کارمند		۳۱	۸/۶	۲۰	۱۱/۱	۱۱	۶/۲
معلم		۳۰	۸/۴	۱۷	۹/۴	۱۳	۷/۳
بیکار		۲۳	۶/۴	۲۳	۱۲/۸	۰	۰/۰
بازنشسته		۱۴	۳/۹	۱۲	۶/۷	۲	۱/۱
سطح تحصیلات							
کمتر از دیپلم		۲۵۴	۷۱/۹	۱۲۵	۷۰/۲	۱۲۹	۷۱/۶
دیپلم		۵۹	۱۶/۵	۱۹	۱۰/۷	۴۰	۲۲/۲
عالی		۴۵	۱۲/۵	۳۴	۱۹/۱	۱۱	۶/۱
میزان درآمد							
پایین		۲۸۴	۷۸/۷	۱۳۵	۷۵/۰	۱۴۹	۸۲/۳
متوسط		۴۴	۱۲/۲	۲۱	۱۱/۷	۲۳	۱۲/۷
بالا		۳۳	۹/۱	۲۴	۱۳/۳	۹	۵/۰
محل تولد							
یکسان		۲۰۱	۵۵/۲	۱۰۹	۵۹/۹	۹۲	۵۰/۵
متفاوت		۱۶۳	۴۴/۸	۷۳	۴۰/۱	۹۰	۴۹/۵
میزان شناخت همسر قبل از ازدواج							
زیاد		۱۶۸	۴۷/۵	۸۱	۴۵/۸	۸۷	۴۹/۲
متوسط		۱۱۶	۳۲/۸	۵۷	۳۲/۲	۵۹	۳۲/۳
کم		۷۰	۱۹/۸	۳۹	۲۲/۰	۳۱	۱۷/۵
نحوه‌ی انتخاب همسر							
خود فرد		۱۲۸	۳۶/۵	۵۷	۳۲/۸	۷۱	۴۰/۱
خانواده فرد		۱۱۱	۳۱/۶	۵۶	۳۲/۲	۵۵	۳۱/۱
اطرافیان فرد		۱۱۲	۳۱/۹	۶۱	۳۵/۱	۵۱	۲۸/۸

همچنین، اکثر پاسخگویان (۷۱/۹ درصد) تحصیلاتی کمتر از دیپلم داشته‌اند و توزیع تحصیلات عالی در بین مردان و زنان به ترتیب ۱۹/۱ و ۶/۱ درصد بوده است. داده‌ها نشان می‌دهند که بیش از دو سوم پاسخگویان (۷۸/۷ درصد) از سطح درآمدی پایین برخوردار بوده‌اند در حالی که ۱۳/۳ درصد از مردان و ۵ درصد از زنان شاغل، درآمد بالایی داشته‌اند. بالا بودن سهم زنان خانه‌دار و مردان کارگر و دارای مشاغل آزاد و نیز پاسخگویان با تحصیلات کمتر از دیپلم و دارای درآمد پایین، همگی می‌تواند بیانگر ارتباط درونی بین تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد با احتمال ناسازگاری زناشویی و تمایل به ارایه تقاضای طلاق باشد. همچنین، بر اساس داده‌های جدول شماره دو، بیش از نیمی از زنان و شوهران مورد مطالعه (۵۵/۲ درصد) در یک محل (روستا یا شهر) متولد شده بودند و نزدیک به نیمی از آنان (۴۷/۵ درصد) قبل از ازدواج، از همسرشان تا اندازه‌ی زیادی شناخت داشته‌اند. در نهایت، بیش از یک سوم پاسخگویان (۳۶/۵ درصد)، خودشان همسر آینده‌شان را انتخاب کرده بودند؛ در حالی که گزینش همسر توسط خانواده و یا اطرافیان تقریباً به طور یکسان صورت گرفته است. نکته قابل توجه سهم بالاتر زانی است (۴۰/۱ درصد) که در مقایسه با مردان (۳۲/۸ درصد) خود به انتخاب همسر پرداخته بودند، که شاید این امر خود یکی از دلایل احتمالی ناسازگاری و اختلافات خانوادگی بوده است.

میزان گرایش به طلاق

به منظور شناخت دقیق از میزان گرایش به طلاق در بین زوجین مورد مطالعه، نتایج حاصله از دسته‌بندی این گرایش، بر حسب برخی از متغیرهای زمینه‌ای و فرضیه‌ای، در جدول (۳) آورده شده است. بر اساس داده‌های جدول، بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۸/۸ درصد)، گرایش متوسطی به طلاق داشته‌اند؛ در حالی که دارندگان گرایش ضعیف و قوی به ترتیب ۳۱/۹ و ۹/۳ درصد بوده است. نگاهی دقیق‌تر به داده‌ها نشان می‌دهد که قوی‌ترین میزان گرایش به طلاق، به ترتیب در بین زوجینی مشاهده شده است که اظهار کرده‌اند دیگران در زندگی آنها دخالت داشته‌اند، انتظارات‌شان از همسران‌شان برآورده نشده است و خودشان تصور مثبت‌تری از پیامدهای طلاق در ذهن داشته‌اند. از سوی دیگر، ضعیف‌ترین میزان گرایش به طلاق، به ترتیب در بین زوجینی مشاهده شده است که درآمد بالایی داشته‌اند، همسرشان توسط اطرافیان‌شان انتخاب شده بود و دیگران دخالت اندکی در زندگی آنها داشته‌اند. همچنین، بالاترین رقم میانگین گرایش به طلاق را می‌توان به ترتیب در بین زوجینی مشاهده کرد که انتظارات‌شان از همسران‌شان برآورده نشده، دخالت زیادی از سوی

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۳۷

اطرافیان در زندگی آنها به عمل آمده، و خودشان تصور مثبت‌تری از پیامدهای طلاق در ذهن داشته‌اند. این در حالی است که پایین‌ترین رقم میانگین گرایش به طلاق، در بین زوجینی گزارش شده است که دخالت اندکی از سوی دیگران در زندگی آنها صورت گرفته، انتظارات از همسرشان به میزان زیادی برآورده شده و چهار فرزند یا بیشتر داشته‌اند.

جدول (۳) بررسی میزان گرایش به طلاق در بین زوجین

میانگین گرایش به طلاق	جمع کل		گرایش قوی		گرایش متوسط		گرایش ضعیف		گرایش به طلاق	متغیرها
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۳۰/۵	۱۰۰	۳۶۴	۹/۳	۳۴	۵۸/۸	۲۱۴	۳۱/۹	۱۱۶	کل پاسخگویان	
۳۰/۲	۱۰۰	۱۸۲	۹/۳	۱۷	۵۵/۵	۱۰۱	۳۵/۲	۶۴	مرد	جنسیت
۳۰/۹	۱۰۰	۱۸۲	۹/۳	۱۷	۶۲/۱	۱۱۳	۲۸/۶	۵۲	زن	
۳۰/۸	۱۰۰	۱۱۱	۱۰/۸	۱۲	۵۵/۹	۶۲	۳۳/۳	۳۷	۱۶-۲۹ سال	گروه سنی
۳۰/۵	۱۰۰	۱۸۲	۷/۱	۱۳	۶۲/۶	۱۱۴	۳۰/۲	۵۵	۳۰-۴۴ سال	
۳۰/۳	۱۰۰	۶۳	۱۴/۳	۹	۴۹/۲	۳۱	۳۶/۵	۲۳	۴۵ سال و بیشتر	
۳۰/۲	۱۰۰	۲۵۴	۸/۷	۲۲	۵۹/۱	۱۵۰	۳۲/۳	۸۲	زیر دیپلم	میزان تحصیلات
۳۰/۶	۱۰۰	۵۹	۶/۸	۴	۶۱/۰	۳۶	۳۲/۲	۱۹	دیپلم	
۳۲/۵	۱۰۰	۴۵	۱۷/۸	۸	۵۳/۳	۲۴	۲۸/۹	۱۳	بالا‌تر از دیپلم	
۳۰/۸	۱۰۰	۲۸۴	۷/۷	۲۲	۶۴/۱	۱۸۲	۲۸/۲	۸۰	پایین	میزان درآمد
۳۰/۰	۱۰۰	۴۴	۱۵/۹	۷	۴۵/۵	۲۰	۳۸/۶	۱۷	متوسط	
۲۹/۳	۱۰۰	۳۳	۱۲/۱	۴	۳۶/۴	۱۲	۵۱/۵	۱۷	بالا	
۳۰/۲	۱۰۰	۶۵	۱/۵	۱	۷۲/۳	۴۷	۲۶/۲	۱۷	بدون فرزند	تعداد فرزند
۳۱/۸	۱۰۰	۱۷۰	۵/۳	۹	۶۴/۱	۱۰۹	۳۰/۶	۵۲	۱-۳ فرزند	
۲۹/۲	۱۰۰	۱۲۱	۱۹/۰	۲۳	۴۳/۸	۵۳	۳۷/۲	۴۵	۴ فرزند و بیشتر	
۲۹/۷	۱۰۰	۲۰۱	۶/۰	۱۲	۶۰/۲	۱۲۱	۳۳/۸	۶۸	یکسان	محل سکونت
۳۱/۷	۱۰۰	۱۶۳	۱۳/۵	۲۲	۵۷/۱	۹۳	۲۹/۴	۴۸	متفاوت	
۳۰/۷	۱۰۰	۷۰	۱۱/۴	۸	۵۱/۴	۳۶	۳۷/۱	۲۶	کم	میزان شناخت از همسر
۳۰/۱	۱۰۰	۱۱۶	۱/۷	۲	۷۵/۹	۸۸	۲۲/۴	۲۶	متوسط	
۳۰/۸	۱۰۰	۱۶۸	۱۳/۷	۲۳	۵۰/۶	۸۵	۳۵/۷	۶۰	زیاد	

ادامه جدول (۳)

میانگین گرایش به طلاق	جمع کل		گرایش قوی		گرایش متوسط		گرایش ضعیف		گرایش به طلاق		متغیرها
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۱/۸	۱۰۰	۱۲۸	۱۱/۷	۱۵	۶۸/۸	۸۸	۱۹/۵	۲۵	خود فرد	نحوه انتخاب همسر	
۲۹/۷	۱۰۰	۱۱۱	۳/۶	۴	۶۱/۳	۶۸	۳۵/۱	۳۹	والدین		
۲۹/۷	۱۰۰	۶۸	۱۴/۷	۱۰	۴۱/۲	۲۸	۴۴/۱	۳۰	اطرافیان		
۲۹/۰	۱۰۰	۲۲۹	۴/۸	۱۱	۵۴/۱	۱۲۴	۴۱/۰	۹۴	کم	دخالت دیگران در زندگی زوجین	
۳۱/۹	۱۰۰	۸۸	۱۱/۴	۱۰	۶۷/۰	۵۹	۲۱/۶	۱۹	متوسط		
۳۵/۶	۱۰۰	۴۷	۲۷/۷	۱۳	۶۶/۰	۳۱	۶/۴	۳	زیاد		
۲۹/۲	۱۰۰	۲۲۰	۴/۱	۹	۵۹/۵	۱۳۱	۳۶/۴	۸۰	کم	میزان برآورده نشدن انتظارات همسران	
۳۱/۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۴/۰	۱۴	۵۷/۰	۵۷	۲۹/۰	۲۹	متوسط		
۳۶/۰	۱۰۰	۴۳	۲۵/۶	۱۱	۱۴/۰	۲۵	۱۶/۳	۷	زیاد		
۲۹/۶	۱۰۰	۱۶۱	۶/۲	۱۰	۵۷/۸	۹۳	۳۶/۰	۵۸	کم	پيامدهای طلاق از تصور مبین	
۳۰/۶	۱۰۰	۱۱۴	۸/۲	۱۰	۶۴/۰	۷۳	۲۷/۲	۳۱	متوسط		
۳۲/۸	۱۰۰	۵۶	۱۷/۹	۱۰	۵۵/۴	۳۱	۲۶/۸	۱۵	زیاد		

آزمون فرضیات

همان گونه که آزمون فرضیات در جدول (۴) نشان می دهد، تمامی فرضیات تحقیق تأیید گردیده اند. به عبارت واضح تر، براساس ضریب همبستگی پیرسون، میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق (به عنوان متغیرهای مستقل) با میزان گرایش به طلاق، رابطه ای مستقیم و کاملاً معنادار داشته اند. از این رو، نتایج بدست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری تحقیق (یعنی تمامی زوجینی که به دادگاه خانواده شهر کرمانشاه مراجعه کرده و دادخواست طلاق داده بودند) می باشد. همچنین، مشخص شده است که میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق، میزان دخالت

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۲۹

دیگران در زندگی زوجین، تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی، و تفاوت عقاید زوجین متغیرهایی هستند که می‌توانند موجب شوند تا انتظارات همسران از یکدیگر به طور کامل برآورده نشود. با توجه به وجود رابطه معنادار بین میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و افزایش میزان گرایش به طلاق، می‌توان گفت که متغیرهای مذکور به طور غیر مستقیم با میزان گرایش به طلاق رابطه مثبت و معناداری داشته‌اند.

جدول (۴) آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از ضرایب همبستگی پیرسون

سطح معنا داری (Sig.)	ضریب همبستگی پیرسون (R)	فرضیات تحقیق
۰/۰۰۰	۰/۲۴۱	بین میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و میزان گرایش به طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
۰/۰۰۰	۰/۳۶۸	بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان گرایش به طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
۰/۰۰۰	۰/۱۶۲	بین میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و میزان گرایش به طلاق رابطه مستقیم وجود دارد.
۰/۰۰۰	۰/۲۷۰	بین میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	بین تفاوت سنی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
۰/۰۴۹	۰/۱۰۵	بین تفاوت تحصیلی زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
۰/۰۰۹	۰/۱۳۹	بین تفاوت عقاید زوجین و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.
۰/۰۴۵	۰/۱۴۱	بین میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر رابطه مستقیم وجود دارد.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره

به منظور فهم دقیق‌تر عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق، از تکنیک تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی در جداول شماره ۵ و ۶ آمده است:

جدول (۵) خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره میزان گرایش به طلاق

R	R-square	Adjusted R-square	F	Sig.
۰/۴۳۱	۰/۱۸۶	۰/۱۷۸	۲۴/۸	۰/۰۰۰

داده‌های جدول (۵) حاکی از آن است که ضریب همبستگی چندگانه (R)، معادل ۰/۴۳۱ می‌باشد که بیانگر این نکته است که سه متغیر میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق، به‌طور هم‌زمان به مقدار ۰/۴۳۱ با میزان گرایش به طلاق همبستگی داشته‌اند. هم‌چنین، ضریب تعیین^۱ یا سنجه هم‌خوانی (که بیانگر تغییرات در واریانس متغیر وابسته، بر اثر نوسانات متغیر مستقل است) معادل ۰/۱۸۶ محاسبه شده است که حاکی از آن است که ۱۸/۶ درصد از تغییرات در میزان گرایش به طلاق، از طریق سه متغیر مستقل مذکور قابل توضیح است. هم‌چنین، ستون مربوط به ضریب تعیین اصلاح شده^۲، نیز نشان می‌دهد که ۱۷/۸ درصد از تغییرات در میزان گرایش به طلاق در جامعه آماری، توسط متغیرهای سه‌گانه مذکور قابل توضیح و تبیین است. نسبت F مشاهده شده جهت آزمون معناداری ضریب تعیین، معادل ۲۴/۸ محاسبه گردید که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بوده است (Sig.=۰/۰۰۰). به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت تأثیرات هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی میزان گرایش به طلاق، جدول (۶) ترسیم شده است.

جدول (۶) ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده‌ی میزان گرایش به طلاق

متغیرهای مستقل	B	Beta	t	Sig.	Correlations			Colliearity statistics	
					Zero-order	Partial	Part	Tolerance	VIF
میزان دخالت دیگران در زندگی	۲/۲۳۵	-۰/۳۳۸	۶/۵۶	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۵	-۰/۳۴۲	-۰/۳۲۸	۰/۹۴۰	۱/۰۶۴
میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر	۱/۰۲۰	-۰/۱۴۴	۲/۷۶	۰/۰۰۶	-۰/۲۴۳	-۰/۱۵۲	-۰/۱۳۸	۰/۹۲۲	۱/۰۸۴
میزان پیامدهای تصور مثبت	۰/۸۰۶	-۰/۱۱۳	۲/۲۲	۰/۰۲۷	-۰/۱۸۰	-۰/۱۲۲	-۰/۱۱۱	۰/۹۶۱	۱/۰۴۱

- 1 . R- Square(R2)
- 2 . Adjusted R-Square

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۳۱

ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)، نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در واریانس میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، ۲/۳۳۵ واحد بر میزان گرایش پاسخ‌گویان به طلاق افزوده می‌شود. علاوه بر این، ضریب تأثیر استاندارد (Beta) گویای جهت و به‌ویژه شدت تأثیر هریک از متغیرهای مستقل، بر میزان گرایش به طلاق است. بر این اساس، متغیر میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین با بالاترین ضریب بتا (Beta=۰/۳۳۸)، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان گرایش به طلاق است. در مرتبه دوم، متغیر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، با بتای معادل ۰/۱۴۴ قرار گرفته است که حاکی از تأثیر مستقیم برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر بر میزان گرایش به طلاق است. در نهایت، متغیر میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق با دارا بودن ضعیف‌ترین ضریب تأثیر استاندارد (Beta= ۰/۱۱۳) حاکی از تأثیر مستقیم این متغیر در گرایش به طلاق است. بدین ترتیب، می‌توان براساس ضرایب تأثیر استاندارد، تأثیر‌گذارترین متغیرهای مستقل بر میزان گرایش به طلاق را به شرح زیر مرتب نمود:

- ۱- میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین با تأثیر افزایشده بر میزان گرایش به طلاق (Beta = ۰/۳۳۸)
 - ۲- میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر با تأثیر افزایشده بر میزان گرایش به طلاق (Beta=۰/۱۴۴)
 - ۳- میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق با تأثیر افزایشده بر میزان گرایش به طلاق (Beta=۰/۱۱۳)
- معادله رگرسیونی استاندارد را می‌توان بر مبنای ضرایب بتا به شرح زیر نوشت:

میزان گرایش به طلاق = (میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین) ۰/۳۳۴ + (میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر) ۰/۱۴۴ + (میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق) ۰/۱۱۳

از آن‌جا که براساس مدل تحلیلی تحقیق، برخی از متغیرهای مستقل نظیر تفاوت سنی، تحصیلی و عقاید زوجین از طریق افزایش احتمال میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، بر متغیر وابسته یعنی میزان گرایش به طلاق تأثیر می‌گذارند؛ لذا ترسیم یک معادله رگرسیونی جهت فهم روابط بین متغیرهای مذکور ضروری به نظر می‌رسد. خلاصه‌ی مدل رگرسیونی مربوط به میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و ضرایب تأثیر در جداول (۷) و (۸) نشان داده شده‌اند.

جدول (۷) خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر

R	R-square	Adjusted R-square	F	Sig.
۰/۳۹۵	۰/۱۵۶	۰/۱۴۲	۱۱/۰	۰/۰۰۰

براساس داده‌های قابل مشاهده در جداول مذکور، متغیرهای پنج گانه میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی، تفاوت عقاید زوجین، و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق در مجموع به مقدار ۰/۳۹۵ با متغیر وابسته یعنی میزان بر آورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر همبستگی داشته‌اند. همچنین، براساس ضریب تعیین، این متغیرهای چهارگانه توانسته‌اند ۱۵/۶ درصد از نوسانات در متغیر وابسته (میزان برآورده نشدن انتظارات) را تبیین نمایند. نسبت F مشاهده شده جهت آزمون معناداری ضریب تعیین، معادل ۱۱ محاسبه گردید که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بوده است. به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت تأثیرات هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، جدول (۸) ترسیم شده است.

جدول (۸) ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده‌ی میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر

متغیرهای مستقل	B	Beta	t	Sig.	Correlations			Collinearity statistics	
					Zero-order	Partial	Part	Tolerance	VIF
میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین	۰/۳۶۸	۰/۲۲۶	۴/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲	۰/۲۳۶	۰/۲۲۳	۰/۹۷۷	۱/۰۲۴
تفاوت سنی زوجین	۰/۷۰۴	۰/۱۹۸	۲/۶۹	۰/۰۰۰	۰/۲۱۰	۰/۲۰۹	۰/۱۹۶	۰/۹۸۶	۱/۰۱۴
میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق	۰/۱۷۱	۰/۱۶۳	۲/۰۵	۰/۰۰۳	۰/۲۲۴	۰/۱۷۱	۰/۱۶۰	۰/۹۶۳	۱/۰۳۹
تفاوت عقاید زوجین	۰/۱۸۰	۰/۰۹۹	۱/۸۵	۰/۰۶۵	۰/۱۱۸	۰/۱۰۷	۰/۰۹۸	۰/۹۹۴	۱/۰۰۶
تفاوت تحصیلی زوجین	۱/۱۴۱	۰/۰۹۶	۱/۸۱	۰/۰۷۱	۰/۰۹۷	۰/۱۰۴	۰/۰۹۶	۰/۹۹۸	۱/۰۰۲

ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)، نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در واریانس میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، ۰/۳۶۸ واحد بر میزان گرایش پاسخ‌گویان به طلاق افزوده می‌شود. علاوه بر این، ضریب تأثیر استاندارد (Beta)، گویای جهت و به‌ویژه شدت تأثیر هریک از متغیرهای مستقل بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر است. بر این اساس، متغیر میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین با بالاترین ضریب بتا (Beta=۰/۲۲۶) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر است. در مرتبه دوم، متغیر تفاوت سنی زوجین، با بتای معادل ۰/۱۹۸ قرار گرفته است که حاکی از تأثیر مستقیم تفاوت سنی بر افزایش احتمال برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر می‌باشد. در مرتبه سوم، متغیر میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق با بتای معادل ۰/۱۶۳ قرار گرفته است که دال بر وجود تأثیر مثبت این متغیر بر برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر می‌باشد. متغیر بعدی، تفاوت عقاید زوجین است که با ضریب بتای معادل ۰/۰۹۹ در مرتبه چهارم قرار گرفته و بیانگر اثرات مثبت تفاوت عقاید زوجین، بر برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر است. در نهایت، متغیر تفاوت تحصیلی زوجین با دارا بودن ضعیف‌ترین ضریب تأثیر استاندارد (Beta=۰/۰۹۶)، حاکی از تأثیر مستقیم این متغیر بر برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر است. بدین ترتیب، می‌توان براساس ضرایب تأثیر استاندارد، تأثیرگذارترین متغیرهای مستقل بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر را به شرح زیر مرتب نمود:

۱. میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین با تأثیر افزایش بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از

یکدیگر (Beta = ۰/۲۲۶)

۲. تفاوت سنی زوجین با تأثیر افزایش بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر (Beta = ۰/۱۹۸)

۳. میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق با تأثیر افزایش بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از

یکدیگر (Beta = ۰/۱۶۳)

۴. تفاوت عقاید زوجین با تأثیر افزایش بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر (Beta = ۰/۰۹۹)

۵. تفاوت تحصیلی زوجین با تأثیر افزایش بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر

(Beta = ۰/۰۹۶)

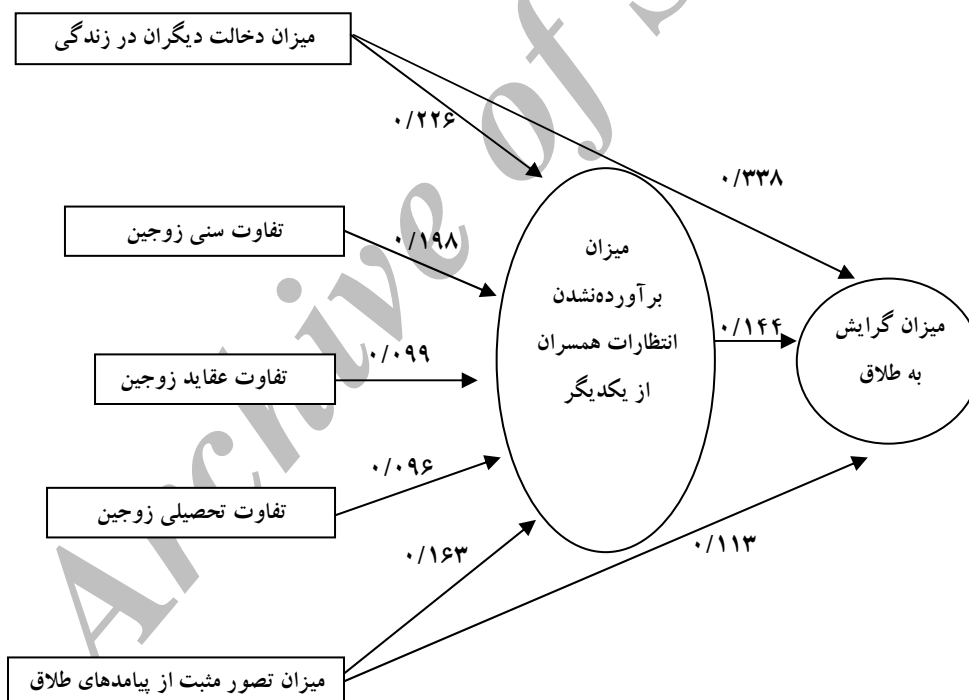
به عبارت واضح‌تر، آن دسته از زوجینی که دیگران در زندگی آنها به میزان زیادی دخالت داشته‌اند، و با همسران‌شان تفاوت زیادی به لحاظ سن، میزان تحصیلات و عقاید داشته‌اند، و همچنین تصور مثبت‌تری

از پیامدهای طلاق داشته‌اند به احتمال قوی نتوانسته‌اند که انتظارات همسران‌شان در زندگی مشترک را برآورده نمایند. در نهایت، معادله رگرسیونی استاندارد چنین است:

میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر = (میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین) $+0/۲۲۶$ (تفاوت سنی زوجین) $+0/۱۹۸$ (میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق) $+0/۱۶۳$ (تفاوت عقاید زوجین) $+0/۰۹۹$ (تفاوت تحصیلی زوجین) $+0/۰۹۶$.

در نهایت، سعی شده است تا با به کارگیری تکنیک تحلیل مسیر و استفاده از ضرایب مسیر، ضمن آزمون مدل تحلیلی تحقیق، آثار مستقیم و غیرمستقیم و یا بی‌اثری هر یک از متغیرهای موجود در مدل تحلیلی مشخص گردد.

نمودار (۲) تحلیل مسیر مدل تحلیلی تحقیق



ضرایب مسیر مدل تحلیلی را می‌توان در جدول (۹) به شرح زیر خلاصه کرد:

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۳۵

جدول (۹) آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مدل تحلیلی بر میزان گرایش به طلاق

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین	۰/۳۳۸	۰/۰۳۲۵	۰/۳۷۰
میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر	۰/۱۴۴	-----	۰/۱۴۴
میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق	۰/۱۱۳	۰/۰۲۳۴	۰/۱۳۶
تفاوت سنی زوجین	-----	۰/۰۲۸۵	۰/۰۲۸۵
تفاوت عقاید زوجین	-----	۰/۰۱۴۲	۰/۰۱۴۲
تفاوت تحصیلی زوجین	-----	۰/۰۱۳۸	۰/۰۱۳۸

جدول مذکور نشان‌دهنده تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیرات کل هر یک از متغیرهای مدل تحلیلی تحقیق می‌باشد. با توجه به داده‌های جدول، مشخص می‌شود که در هر سه ستون، متغیر میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان گرایش به طلاق است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مشخص شد که میانگین میزان گرایش به طلاق در بین آن دسته از زوجینی بالاتر بوده است که بدون کمک والدین و به تنهایی همسرشان را انتخاب کرده بودند، دخالت زیادی از سوی اطرافیان در زندگی‌شان صورت گرفته بود، انتظارات‌شان از همسر به حد کافی برآورده نشده بود و راجع به پیامدهای طلاق تصور مثبتی در ذهن داشته‌اند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره، نشان داد که میزان دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق، به طور مستقیم موجب افزایش میانگین میزان گرایش زوجین به طلاق شده‌اند؛ در حالی که تفاوت سنی، تحصیلی و عقاید زوجین همراه با دخالت زیاد دیگران و داشتن تصور مثبت از پیامدهای طلاق، به طور غیر مستقیم و از طریق افزایش احتمال میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر تأثیر افزایش بر میزان گرایش به طلاق داشته‌اند.

نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر، در راستای تحکیم مبانی نظری به کار رفته و نیز تأیید یافته‌های پژوهشی پیشین می‌باشد. بدین معنی که بر اساس نظریه شبکه، قوی بودن شبکه خویشاوندی و دخالت دیگران در روابط زوجین، می‌تواند از طریق سلب قدرت تصمیم‌گیری از زوجین، موجبات بروز اختلافات خانوادگی گردیده و احتمال جدایی و وقوع طلاق را افزایش دهد. این یافته نظری در تحقیق حاضر، نظیر سایر تحقیقات پیشین (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ داودی، ۱۳۵۶؛ پیران، ۱۳۶۹؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ شعبانی، ۱۳۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳) مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، نظریه مبادله پیش‌بینی می‌کند زمانی که هریک از زوجین هزینه‌های یک زندگی زناشویی را بیش از منافع آن ارزیابی نمایند، احتمال گسستن این رابطه وجود خواهد داشت. آنچه که این نظریه بر آن تأکید می‌کند، پنداشت زوجین از سود و زیان حاصله از زندگی خانوادگی است که این مفهوم را می‌توان از طریق سنجش میزان برآورده شدن انتظارات زوجین از یکدیگر، عملیاتی نمود. در واقع میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر در زمینه اموری نظیر اظهار علاقه و محبت، مورد احترام قرار گرفتن، سازگاری داشتن در روابط جنسی، توجه کردن به فرایض دینی، اهمیت دادن به مسایل تربیتی فرزندان، مشورت کردن با همسر، آینده‌نگری در مسایل اقتصادی، و... زمینه‌ساز شکل‌گیری این ذهنیت در آنها می‌شود که در این مبادله اجتماعی (زندگی مشترک خانوادگی)، بیش از طرف مقابل هزینه کرده و منفعت کمتری دریافت می‌کنند. در این حالت، می‌توان گفت که انتظارات آنها از همسرشان برآورده نشده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گرایش به طلاق، در بین آن دسته از زوجینی که به نظر آنها همسران‌شان نتوانسته بودند انتظارات‌شان از زندگی مشترک را برآورده نمایند و آنها در این رابطه متقابل متضرر شده‌اند، بالاتر بوده است. این نکته در پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده است (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ داودی، ۱۳۵۶؛ سیف‌الهی، ۱۳۶۷؛ پیران، ۱۳۶۹؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ مددی، ۱۳۷۸؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ قطبی، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۳؛ فاتحی‌زاده، ۱۳۸۴).

علاوه براین، براساس نظریه مبادله، داشتن تصور مثبت از پیامدهای طلاق سبب می‌شود تا فرد تصور کند با گسستن پیوند زناشویی و قطع این رابطه‌ی مبتنی بر مبادله اجتماعی، می‌تواند بعد از طلاق از منفعت (مادی یا غیر مادی) بیشتری در مقایسه با زندگی مشترک برخوردار شود. به عبارت دیگر، یکی از زوجین یا هر دوی آنها با برجسته‌کردن پیامدهای مثبت طلاق (به‌ویژه رها شدن از جهنم زندگی مشترک) و یا کم اهمیت انگاشتن اثرات منفی طلاق (نظیر بروز مشکلات مالی یا عاطفی)، ممکن است به گسستن پیوند

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۳۷

زناشویی گرایش پیدا کنند تا از این طریق، سود بیشتری را برای خود به دست آورند یا حداقل از زیان‌های بیشتر جلوگیری نمایند. این پیش‌فرض نظریه مبادله نیز، در تحقیق حاضر نظیر پژوهش انجام شده توسط جلیلیان (۱۳۷۵) مورد تأیید قرار گرفته است.

سرانجام، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که وجود برخی تفاوت‌های اجتماعی می‌تواند موجب افزایش گرایش زوجین به طلاق باشد. از جمله‌ی این تفاوت‌ها، اختلاف سنی، تحصیلی و عقاید زوجین است که از طریق کاهش دادن میزان انتظارات برآورده شده توسط همسر، می‌توانند به طور غیر مستقیم موجب افزایش میزان گرایش به طلاق گردند. این یافته نیز مبتنی بر اصول نظریه همسان همسری بوده است که بیان می‌کند وجود ویژگی‌های همسان میان مرد و زن، نه تنها موجب جذب آنها به سوی یکدیگر برای ازدواج می‌شود، بلکه عامل استحکام بخش زندگی زناشویی آنها نیز خواهد بود. به همین دلیل است که وجود تفاوت‌های سنی، تحصیلی و عقاید زوجین می‌تواند تمایل زوجین به جدایی و طلاق را افزایش دهد. این یافته تحقیق حاضر نیز در راستای پژوهش‌های پیشین بوده است (تقی‌زاده، ۱۳۵۰؛ مه‌پویان، ۱۳۵۴؛ داودی، ۱۳۵۶؛ کریمی‌تهرانی، ۱۳۵۸؛ سیفالهی، ۱۳۶۷؛ دانش و همکاران، ۱۳۷۰؛ گلشن، ۱۳۷۲؛ رحمان‌پناه، ۱۳۷۴؛ صالح صدق‌پور، ۱۳۷۷؛ مددی، ۱۳۷۸؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی، ۱۳۸۱؛ میراحمدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲؛ قطبی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۳).

دستاوردهای پژوهش حاضر را می‌توان در دو دسته دستاوردهای نظری و روشی جستجو نمود؛ در حوزه نظری با عنایت به این که پژوهش‌های تحلیلی انجام شده در زمینه طلاق، سعی داشته‌اند تا نظریه‌های جامعه‌شناختی را برای تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع طلاق به کار گیرند، این تحقیق تلاش نمود تا با گسترش برد نظریه‌های مورد استفاده در زمینه طلاق، حمایت‌های تجربی لازم برای این نظریه‌ها را، در زمینه عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق نیز فراهم نماید. در حوزه روشی نیز تحقیق حاضر، گام‌های اولیه برای ساخت ابزارهای اندازه‌گیری به صورت مقیاس، جهت سنجش برخی مفاهیم کیفی (نظیر دخالت دیگران در زندگی زوجین، بر آورده نشدن انتظارات زوجین از یکدیگر، تصور مثبت از پیامدهای طلاق) و به‌طور ویژه مقیاس اندازه‌گیری میزان گرایش به طلاق برداشته است که می‌تواند با به کارگیری بیشتر توسط سایر پژوهشگران در نمونه‌های دیگر و رفع نقایص احتمالی، به عنوان ابزاری جهت شناسایی تمایل زوجین به طلاق و کمک به آنها در مرحله قبل از بحران به کار رود.

بدیهی است انجام هرگونه سیاست‌گذاری ملی و استانی جهت استحکام پایه‌های زندگی خانوادگی و کاهش میزان گرایش زوجین به جدایی و طلاق، باید با در نظر داشتن اهداف زیر طراحی گردد:

- افزایش دانش‌ها و مهارت‌های ارتباطی مردان و زنان جوان و ارایه آموزش‌های نظری و عملی به آنها، به منظور کسب آگاهی و شناخت دقیق از ویژگی‌های جنس مخالف و پرهیز از به کارگیری کلیشه‌های جنسیتی در برخورد با همسر برای افزایش قدرت تحمل و بالا بردن میزان تفاهم و سازگاری زناشویی.

- طراحی زمینه‌های عملی کاهش حضور و دخالت اخلاص‌گراانه اطرافیان در زندگی زوجین، در مقابل افزایش حضور کارشناسان خانواده برای ارایه مشاوره به زوجین دارای اختلاف.

- ترسیم دقیق و کارشناسانه پیامدهای روانی، اجتماعی- فرهنگی، و اقتصادی طلاق به‌ویژه برای زنان و کودکان جهت پرهیز از شتابزدگی زوجین در اخذ تصمیمات فوری و نسنجیده برای طلاق.

- فراهم آوردن بسترهای مناسب و مبتنی بر فرهنگ ایرانی- اسلامی برای شناخت بهتر و دقیق‌تر مردان و زنان از یکدیگر در مراحل قبل از ازدواج به منظور شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های فکری و رفتاری یکدیگر.

دستیابی به اهداف مذکور، تنها از طریق همکاری و هماهنگی تمامی نهادهای اجتماعی دست‌اندرکار از جمله خانواده، مدرسه و دانشگاه، مبلغان مذهبی و رسانه‌های گروهی و در پرتو حمایت‌های قانونی و ابزاری دولت امکان‌پذیر خواهد بود.

منابع

- اخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲) پی‌آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن؛ مطالعات زنان، زمستان، ۱(۳)، صص ۱۵۲-۱۲۵.
- بدار، لوک و دیگران (۱۳۸۱) روانشناسی اجتماعی؛ ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- برناردز، جان (۱۳۸۴) درآمدی به مطالعات خانواده؛ ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
- پیران، پرویز (۱۳۶۹) در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق؛ نشریه رونق، سال اول، شماره اول، صص ۴۱-۳۴.
- تقی‌زاده، اسماعیل (۱۳۵۹) علل و عوامل مؤثر در طلاق؛ دانشگاه تهران؛ دانشکده علوم اجتماعی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی.
- جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵) عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران؛ دانشگاه علامه طباطبائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.
- حیدری، مهرنوش (۱۳۸۵) رشد صعودی افزایش نرخ طلاق در کشور؛ تهران: جهاددانشگاهی دانشگاه تهران.
- دانش، کتابون و همکاران (۱۳۷۰) علل و عوامل مؤثر بر طلاق در شهر تهران، پیک ماما، دوره ششم و هفتم، شماره اول تا سوم، صفحات ۳۴ و ۳۰.
- داودی، پرستو (۱۳۵۶) علل و عوامل طلاق؛ تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.
- رحمان‌پناه، عباس (۱۳۷۶) طلاق و علل آن در شهر تهران؛ دانشگاه علوم انتظامی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد.
- رحیمی، حسین (۱۳۶۹) بررسی عوامل طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت؛ سال هشتم، شماره‌های ۳۴ و ۳۳، صص ۱۱۲-۱۰۰.

تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق ۱۳۹

- ریحانی، طیبه و عجم، محمود (۱۳۸۱) بررسی علل طلاق در شهر کتاباد سال ۱۳۸۱: افق دانش، پاییز و زمستان، (۲) ۸: صص ۱۰۰-۹۶.
- روزنامه اطلاعات، ضمیمه (۱۴ مهر ۱۳۷۷)، شماره ۲۱۳۹۱، ص ۸.
- روزنامه همشهری (۲ شهریور ۱۳۷۸)، شماره ۱۱۹۱، ص ۱۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶) طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده؛ چاپ هشتم، تهران: انتشارات سروش.
- سلیمانی، ساسان (۱۳۸۱) طلاق، علل و پیامدهای آن؛ کرمانشاه: دانشگاه پیام نور.
- سیف‌الهی، حجت‌الله (۱۳۷۲) بررسی علت‌های طلاق: کاربرد روش تجزیه عاملی ارتباطها، نامه علوم اجتماعی، ۳ (۶)، صص ۱۵۲-۱۴۱.
- شعبانی، عین‌الله (۱۳۸۲) بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در شهر تبریز، تهران: دانشگاه علوم‌بهزیستی و توانبخشی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان و خانواده؛ تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شیرزاد، جلال و کاظمی‌فر، امیرمحمد (۱۳۸۳) مطالعات همه‌گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹؛ پزشکی قانونی، شماره ۳۶، صص ۲۱۲-۲۰۷.
- صالح صدق‌پور، بهرام (۱۳۷۷) بررسی عواملی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می‌شود؛ مجله اصلاح و تربیت، دوره چهارم، شماره ۳۹، صفحات ۳۰-۲۶.
- طباطبایی، جعفر و سمانه‌السادات (۱۳۸۳) بررسی طلاق و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهرستان بیرجند؛ دانشگاه شهیدبهشتی، پژوهشکده‌ی خانواده، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد.
- ظهیرالدین، علیرضا و خدایی‌فر، فاطمه (۱۳۸۲) بررسی نیم‌رخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه؛ فصلنامه علمی-پژوهشی فیض، شماره ۲۵، صص ۷-۱.
- فاتحی‌زاده، مریم و همکاران (۱۳۸۴) بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. مطالعات تربیتی و روانشناسی، (۱) ۶، صص ۱۳۶-۱۱۷.
- قطبی، مرجان و همکاران (۱۳۸۳) وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد؛ رفاه اجتماعی، بهار، (۱۲) ۳، صص ۲۸۶-۲۷۱.
- کریمی‌تهرانی، شهین (۱۳۵۸) طلاق و علل آن؛ تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی.
- گلشن، صیاد (۱۳۷۲) بررسی طلاق و عوامل اجتماعی- جمعیت‌شناسی مؤثر بر آن در شهرستان خوی؛ دانشگاه تهران: پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه‌شناسی.
- گیدنژ، آنتونی (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: نشرنی.
- مددی، حسین (۱۳۸۰) بررسی علل تقاضای طلاق زوجین در شهرستان اراک، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته مددکاری اجتماعی.
- مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری کشور و استان کرمانشاه، سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵.
- ملفت، حسین (۱۳۸۱) بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب؛ دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.
- مه‌پویان، ابوالقاسم (۱۳۵۴) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق؛ تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه‌شناسی.
- میراحمدی‌زاده و همکاران (۱۳۸۲) رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز؛ اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ۴.

- Amato, Paul R. & Stacy J. Rogers.** (1997) A Longitudinal Study of Marital Problems and Subsequent of Divorce; *Journal of Marriage and the Family*, 59: 612-624.
- Blosfeld B. & Hom E.** (2000) Causes and Consequences of Divorce: An Introduction to This Special Issue, *Journal of Divorce & Remarriage*, 4: 98-120.
- Bulanda, J. R. & Brown, S.** (2006) Race-ethnic Differences in Marital Equality and Divorce; Department of Sociology and Center for Family and Demographic Research, Bowling Green State University: Bowling Green, USA.
- Douglas, W. Allen.** (2002) No-fault Divorce in Canada: Its Cause and Effect; *Journal of Marriage and the Family*, 24: 90-130.
- Edward, J. N., & Fuller, S. S.** (1992) Female Employment and Marital Instability: Evidence from Thailand; *Journal of Marriage and the Family*, 54(1): 59-68.
- Farrell, Michael P.** (2006) Sibling Effects on Divorce; *Research in Multi-Level Issues*, 5: 239-242.
- Greenstein, Theodore N. & Shannon, Davis.** (2006) Cross-national Variations in Divorce: Effects of Women's Power, Prestige and Dependence; *Journal of Comparative Family Studies*, 37(2): 253-273.
- Holley P. ; et. al.** (2006) The Relationship between Intelligence and Divorce; *Journal of Family Issues*, 27(12): 1723-1748.
- Irving, Howard H. & Benjamin, Michael.** (2007) An Evaluation of Process and Outcome in a Private Family Mediation Service; *Mediation Quarterly*, 10(1): 35-55.
- Kalmjin, M. & Uunk, W.** (2007) Regional Differences in Europe and the Social Consequences of Divorce: A Test of the Stigmatization Hypothesis; *Social Science Research*, 36: 447-468.
- Krishnan, Vijaya.** (1998) Premarital Cohabitation and Marital Disruption; *Journal of Divorce & Remarriage*, 28: 157-169.
- Pothen, S.** (1996) Divorce: Its Causes and Consequences in Hindu Society; New Delhi, Vikas Publishing House PVT LTD.
- South, S. & Liloyd K.M.** (1995) Spousal Alternatives and Marital Dissolution; *American Sociological Review*, 60: 21-35.
- Stack, S. & Bankowski, E.** (1994) Divorce and Drinking: An Analysis of Russian Data", *Journal of Marriage and the Family*, 56: 805-812.